

کیهان

استفتاء

از رهبر معظم انقلاب اسلامی

کم شدن وزن طلا

(س) در هنگام تعمیر طلا (براق کردن، کوچک کردن و...) عموماً تعمیرکاران از دستگاه پرداخت یا فرز یا فرچه و یا سوهان استفاده می‌کنند و این کار باعث ریزش مقداری از طلای مشتری می‌شود، حکم چنین تعمیری چیست؟ آیا اطلاع داشتن یا نداشتن مشتری از این مسئله، تفاوتی در حکم می‌کند؟

(ج) تعمیر یی نفسه اشکال ندارد؛ ولی بُرادهٔ آن را باید به صاحبش برگردانید و یا از او اجازه تصرف بگیرید.

استفاده کوتاه‌مدت مردان از طلا

(س) استفاده از طلا برای مردان به مدت کوتاه، مانند لحظه عقد چه حکمی دارد؟

(ج) پوشیدن طلا برای مرد حرام است و فرقی بین مدت کم یا زیاد نیست.

استفاده مردان از طلا در نماز

(س) استفاده مردان از طلای سفید، زرد و پلاتین به صورت انگشتر، گردنبند و مانند آن در نماز چه حکمی دارد؟

(ج) به دست کردن انگشتر طلا (زرد و سفید) یا اوپختن گردنبند طلا (زرد و سفید) برای مردان در هیچ حالتی جایز نیست؛ و نماز با آن هم بنابر احتیاط واجب، باطل است. ولی چنین اشکال ندارد.

وطن حکمی

(س) کسی که به قصد سکونت دائم یا طولانی‌مدت، در تهران اقامت کرده اما به دلایلی پس از مدت کوتاهی از آنجا خارج شود (البته با این قصد که پس از مدت طولانی دوباره برگردد)؛ یا تازمانی که برنگشته، نماز و روزه او در تهران چه حکمی دارد؟ آیا تهران وطن او محسوب می‌شود؟

(ج) در فرض سؤال، تهران وطن او محسوب نمی‌شود؛ بنابر این بدون قصد اقامت ده روز، نماز به صورت شکسته بوده و روزه صحیح نیست.

دست کردن طلا توسط نامحرم

(س) دست کردن النگوی نو و یا بردن النگوی کهنه توسط طلافروش مرد برای زن نامحرم چه حکمی دارد؟

(ج) اگر مستلزم لمس و نگاه حرام باشد، جایز نیست.

نگاه کردن به نامحرم در زمان فروش

(س) برای بررسی اندازه النگو و گردنبند، طلافروش به گردن و دست خانم‌ها نگاه می‌کند، حکمش چیست؟

(ج) نگاه کردن مرد به زن نامحرم فقط به صورت و دست‌ها تا میچ اگر بدون آرایش و زیور باشند و بدون لذت جنسی باشد، اشکال ندارد؛ و در غیر صورت و دست‌ها جایز نیست.

وطن اصلی

(س) چه مکانی به عنوان وطن اصلی محسوب می‌شود؟

(ج) در صورتی که فردی در وطن والدین خود به دنیا آمده و حدود شش ماه در آن ساکن باشد برای او وطن صدق می‌کند و اگر در غیر وطن والدین متولد شده در صورتی که ۶-۵ سال در آن ساکن باشد، وطن اصلی اوست.

شک در وضو داشتن

(س) همیشه و طبق عادت هنگام خروج از منزل وضو می‌گیرم ولی گاهی شک می‌کنم که امروز وضو گرفتم یا نه؟ آیا می‌توانم بنا را بر وضو داشتن بگذارم؟

(ج) به عادت نمی‌توان اتکا کرد مگر آنکه برای شما اطمینان حاصل شود.

تغذیه باطل از نیروی حق

اگر شما را دیوهای مختلف دنیا را گـوش کنید از هیچ‌یک از این رادیوهای نمی‌شنوید که بگوید ما می‌خواهیم ظلم کنیم یا منافع کشورهای دیگر را بدزدیم و غارت کنیم، بلکه همه دم از صلح می‌زنند، دم از آزادی می‌زنند، دم از حقوق بشر می‌زنند؛ در صورتی که اکثر و شاید همه آنها دروغ می‌گویند.

آنها می‌خواهند در پناه این الفاظ زندگی کنند، در پناه آزادی، آزادی را می‌کشند، چنانکه گفته‌اند: «ای آزادی! به نام تو در دنیا چه جنایت‌ها که نشد.»

این معنای تغذیه باطل از حق است. ناصرالدّین شاه یا هارون‌الرشد یا معاویه به نیروی باطل خود را از نیروی حق مردم گرفته بودند و گر نه از خودشان نیرویی نداشتند.

استاد شهید مطهری، نبرد حق و باطل، ص ۴۹

تفاوت بزرگی و بزرگواری

فرق بین بزرگی و بزرگواری چیست؟ فرض کنیم شخصی یک عالم بزرگ باشد و فضیلت دیگری غیر از علم نداشته باشد، یعنی کسی باشد که فقط می‌خواهد یک کشف جدید بکند، تحقیق جدید کند. این یک فکر و اندیشه بزرگ است، یعنی یک اراده بزرگ و همت بزرگ در راه علم است.

آن دیگری یک افزون‌طلب بزرگ است که همیشه دنبال ثروت می‌رود و ثروت برای او هدف است، یک شهوت بزرگ است، یک حرص بزرگ است.

د دیگری یک رقابت بزرگ است، دیگری یک کینه‌توزی بزرگ است، دیگری یک حسادت بزرگ است، دیگری یک جاه‌طلبی بزرگ است. تمام اینها خودپرستی‌های بزرگ هستند.هیچ‌یک از اینها را نمی‌شود، بزرگواری گفت، بزرگی هست ولی زنگواری نیست.

بزرگواری، استقامت است که از جنبه روانی و فلسفی بسیاری قابل توجه است و آن اینکه انسان در ضمیر و روح و روان خودش و به تعبیر قرآن در فطرت خودش غیر از این‌گونه بزرگی‌ها که بازگشتش به خودپرستی‌های بزرگ است- یک نوع احساس بزرگی دیگری در وجود خود می‌کند که از این نوع‌ها نیست، آن را باید گفت انسانیت بزرگ است. این آدم می‌خواهد بزرگ باشد اما دنبال این نیست که بزرگتر از فلان آدم باشد، فلان آدم فلان مقدار ثروت دارد من از او بیشتر داشته باشم، فلان آدم فقط محکوم حکم من باشد.

من امر کنم او اطاعت کند، من باید امر باشم و او مطیع. در مقابل پلیدی‌ها، برای نفس و روح خودش احساس بزرگی می‌کند. مثلاً انسانی اساس روحش به او اجازه نمی‌دهد که دروغ بگوید، اصلا دروغ را پستی می‌داند، در روح خودش احساس علو می‌کند.

آن بزرگی در مقابل کوچکی و کمی است. این بزرگی که به آن «بزرگواری» می‌گویم در مقابل ذنات و پستی است. انسان در روح خود احساس بزرگواری می‌کند.

یعنی یک شرافتی را در خودش درک می‌کند که به موجب آن از دانته‌ها احترام دارد، در آن دم جاه‌پرست برای جاه‌پرستی آن‌قدر اهمیت قائل است که می‌گوید زندگی اگر هست این است که آدمی مثل شیر زندگی کند نه مثل گوسفند، یعنی بדרه، نه اینکه او را دیگری بدرد...

البته بزرگان، بزرگ هم هستند، اما همه بزرگان بزرگوار نیستند. همه بزرگواران بزرگند، این است که وقتی ما در مقابل این بزرگواران می‌ایستیم همواره از بزرگی‌شان می‌گویم نه- از بزرگی منهای بزرگواری. «شهدانک قد قامت الطوبه و...»

استاد شهید مطهری، آزادی معنوی، صص ۲۱۴-۲۰۴-۲۰۳

گاه افراد مسلمان با دشمن به اشکال گوناگون همکاری می‌کنند که این همکاری می‌تواند بسیار خطرناک باشد و موجب شکست امت شود. از نگاه قرآن همکاری با دشمن به عنوان «جرم»، «خیانت»، «جاسوسی»، «تشویش اذهان عمومی در جنگ روانی» و مانند آنها محسوب می‌شود. نویسنده در این مطلب دیدگاه قرآن درباره دوستی و همکاری با دشمن و آثار آن را بررسی کرده است.

همکاری با دشمن، عملی مجرمانه

همکاری با دشمن می‌تواند دارای انواع و اقسام و رویه‌ها و اشکال گوناگونی چون: تعاون در گناه و تجاوزگری (مانده، آیه ۲)، پشتیبانی از دشمن (قصص، آیه ۱۷؛ بقره، آیه ۸۵؛ متحنه، آیه ۹؛ فرقان، آیه ۵۵)، ایجاد جنگ روانی با اراجیف خبری و شایعات لرزه‌افکن و تشویش اذهان عمومی (احزاب، آیات ۶۰ و ۶۱)، بیان افک و افتراء (فرقان، آیه ۴)، ایجاد فتنه و آشوب، مخالفت با اوامر رهبر جامعه و مانند آنها باشد که خدا مجازات سنگینی را برای همکاری بیان کرده‌است. (مانده، آیات ۴۱ و ۴۲؛ توبه، آیات ۵۰ تا ۵۰؛ احزاب، آیات ۶۰ و ۶۱) برخی از مسلمانان به ظاهر در تابعیت اسلام هستند، ولی دل‌هایشان با دشمنان است و ولایت و سرپرستی عاشقانه دشمنان را پذیرا هستند هرچند که به ظاهر تحت ولایت مؤمنان باشند. چنین افرادی همه نوع همکاری را با دشمنان برای خربه زدن و اخراج مردمان و بازگرداندن آنها به دامن کفر دارند. (مانده، آیات ۲۱ و ۴۲؛ توبه، آیات ۴۵ تا ۵۰) همکاری با دشمن، امری ناپسند و در برخی از موارد از مصادیق جرم و خیانت است که مجرم و خائن براساس قوانین کیفری و جزائی اسلام در همین دنیا مجازات می‌شود. از آیات ۶۰ و ۶۱ سوره احزاب به دست می‌آید که همکاری با دشمن

همکاری با دشمن، عملی مجرمانه

هرگونه همکاری با دشمن در هر شکل و رویه و هدف و عنوانی، از مصادیق خیانت و جرم تلقی شده و مجازات الهی را به دنبال دارد؛ از همین‌رو خدا در آیات متعددی صریحاً جرم و خیانت است که مجرم و خائن براساس قوانین کیفری و جزائی اسلام در همین دنیا مجازات می‌شود. از آیات ۶۰ و ۶۱ سوره احزاب به دست می‌آید که همکاری با دشمن اشاره کرده است.

اشاره کرده است.

با عنوان مرجفون شامل مجازات‌هایی چون تبعید و اعدام و مانند آنها است.

از نظر قرآن، همکاری با دشمن می‌تواند به عنوان مصادیقی از «تعاون علی الاثم و العدوان» (مانده، آیه ۲) تلقی شده و عذاب شدید دنیوی و اخروی بر آن بار گردد. (همان)

قرآن کریم در آیات متعددی به این موضوع پرداخته و مسلمانان را از هرگونه ارتباط و همکاری با دشمنان اسلام که قصد خربه زدن به دین و مسلمانان را دارند، نهی کرده است؛ زیرا همکاری با دشمن به اشکال گوناگون از مصادیق خیانت به خدا، دین، رهبری و امت اسلامی است؛ چراکه مسلمانان را در معرض آسیب و خطر قرار می‌دهد که می‌تواند نابودی مسلمانان و حکومت اسلامی را نیز در برگیرد؛ چنان‌که در طول تاریخ بیشترین و مهم‌ترین ضربات به پیکره اسلام و مسلمین از سوی همین خیانتکاران وارد شده است. بی‌گمان، همکاری با دشمنان به تضعیف موقعیت مسلمانان در برابر دشمنان منجر می‌شود و قدرت آنها را کاهش می‌دهد.

البته برخی برای جلب رضایت دشمنان با آنان همکاری می‌کنند و امید دارند که خود یا بخشی عظیم از مجموعه خودشان با این همکاری از ضربات دشمن در امان مانند که تاریخ برخلاف آن را گزارش می‌کند؛ زیرا براساس گزارش‌های تاریخی، همکاری با دشمنان به هدف جلوگیری از ضربات سخت به خویشان و خویشان دوستان آنها، نتنها بازدارنده و تأمین‌کننده امنیت نیست، بلکه دشمنان را برای ادامه دشمنی و تجاوز تشویق می‌کند؛ زیرا چنین همکاری می‌تواند دشمنی را به این تحلیل و نتیجه برساند که این همکاری‌ها نشاندهی از بروز ضعف و ناتوانی و شرایط مناسب برای حمله و زدن ضربات کاری‌تر و پیروزی است. همچنین باید توجه داشت که هرگونه همکاری با دشمن باعث عدم اعتماد و تزلزل در جامعه اسلامی می‌شود و وحدت و انسجام مسلمانان را بین می‌برد؛ زیرا این گمانه تقویت می‌شود که نظام ولای در شرایط عدم قدرت و ضعف قرار دارد و به دنبال همکاری با دشمن است.

شبهه: در بین مردم شایع و معروف شده که ماه صفر، نحس و شوم است، آیا بر اساس روایات، نحوست ماه صفر حقیقت دارد؟

پاسخ: ماه صفر بعد از ماه‌های «ذی‌القعدة، ذی‌الحجه و محرم» قرار گرفته است، این سه ماه، از جمله ماه‌های حرام هستند که در دین اسلام احکام خاص را هم دارا می‌باشند. ماه صفر در میان مردم به نحس و شوم بودن شهرت دارد، اما در منابع دینی اشاراتی به نحوست این ماه نشده است و در نتیجه هیچ دلیل متقنی بر این موضوع وجود ندارد. البته کسانی که معتقد به نحس بودن این ماه هستند، در چرایی آن، داللتی از جمله «ورود کاروان اسرای کرل‌با به شهر شام، رحلت رسول‌الله(صلی‌الله‌علیه‌وآله)، شهادت امام حسن و امام (رضاع)» را ذکر می‌کنند.

(الف) نحوست ایام

در بین آیات و روایات اشاراتی به بحث نحوست برخی از ایام شده‌است، به عنوان مثال قرآن کریم در دو مورد از نحوست ایام یاد کرده که مربوط به قیوم عاده‌است. (۱) همچنین روایات متعددی نیز وجود دارد که سعد و نحس بودن برخی از روزها و ماه‌ها را بیان کرده‌اند. (۲) البته در اینکه مراد از نحس بودن روزها در این آیات و روایات چیست بحث‌ها و نظرات مختلفی وجود دارد، اما به صورت کلی بعضی از مفسران در تفسیر آیات مربوط به قیوم عاده، به معنای اعتبار برخی از این روایات اعتنا کرده‌اند. (۳)

ب) نحوست ماه صفر

یکی یا بلوهای شایع در میان مردم این است که ماه صفر را نحس و شوم می‌دانند، به همین جهت برای در امان ماندن از بلا و شر، توصیه به دادن صدقه و قرائت برخی از دعاها می‌شود. کسانی که به نحوست این ماه باور دارند عقیده خود را بر چند دلیل استوار کرده‌اند که در ادامه به صورت مختصر اشاره می‌شود.

رخدادهای ماه صفر

برخی افراد معتقد هستند که ماه صفر وقایعی که در این ماه اتفاق افتاده یعنی ورود کاروان اسرای کرل‌با به شهر شام، رحلت پیامبراکرم (ص)، شهادت امام حسن و امام حسین (ع) پس این ماه شوم و نامیراکی است. مرحوم علامه مجلسی در ایبار می‌گوید: «و هذا الشهرُ مشهورٌ بالثَّغُوسَةِ و السَّوْمِ، وَ يُمكنُ أنْ یَكونَ لَکَ لَکَ وَهَکَیْهَ...» یعنی ماه صفر به نحس بودن و شومی شهرت یافته‌است. ممکن است علت این مطلب یکی از این دو وجه باشد:

الف) بنا بر نظر علمای شیعه وفات پیامبر اعظم(ص) در این ماه بوده و همین باعث نحس قلمداد شدن این ماه شده است.
ب) ماه صفر در میان مسلمانان به نحس شهرت دارد و به خصوص چهرارشنه آخر آن، نحس می‌باشد که در این مورد روایتی نداریم. وی در ادامه می‌نویسد: شاید این نحوست به خاطر رحلت پیامبراکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در این ماه و نیز سخن

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

در قرآن، جنگ روانی دشمنن با تکیه بر فریب، شایعه‌پراکنی و تضعیف روحیه مؤمنان مطرح شده است؛ زیرا دشمن با بهره‌گیری از منافقان و سست ایمان‌ها و افراد دیگر حاضر در میان امت اسلام تلاش می‌کند تا انسجام اجتماعی را از میان بردارد و با جنگ روانی از طرق گوناگون و ابزارهایی چون رسانه و اخبار دروغین و اراجیف خبری جو اجتماعی و اقتصادی و نظامی را به‌هم بریزد و شکاف اجتماعی را ایجاد یا تقویت کند.

همکاری با دشمن

علی جواهردهی



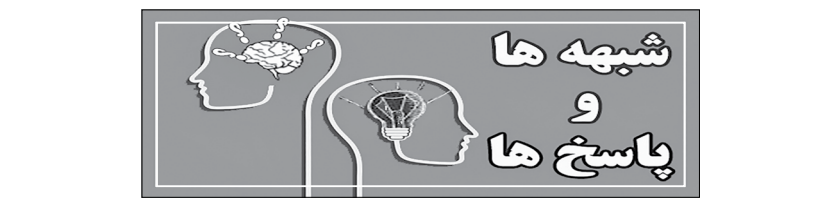
همکاری با دشمن یکی از مهم‌ترین عوامل خروج از مسیر الهی است؛ زیرا از نظر قرآن، پیروی از دشمنان و همکاری با آنها، انسان را از مسیر الهی دور می‌کند و او را به سوی گمراهی سوق می‌دهد.

هرگونه همکاری با دشمن در هر شکل و رویه و هدف و عنوانی، از مصادیق خیانت و جرم تلقی شده و مجازات الهی را به دنبال دارد؛ از همین‌رو خدا در آیات متعددی صریحاً جرم و خیانت است که مجرم و خائن براساس قوانین کیفری و جزائی اسلام در همین دنیا مجازات می‌شود. از آیات ۶۰ و ۶۱ سوره احزاب به دست می‌آید که همکاری با دشمن اشاره کرده است.

براساس گزارش‌های قرآنی همکاری با دشمن شامل مواردی چون: همکاری در امور نظامی و ارائه اطلاعات به آنها؛ عنوان مصادیق خیانت و جاسوسی؛ همکاری در امور اقتصادی؛ همکاری در امور سیاسی که موجب تضعیف نظام اسلامی می‌شود؛ همکاری با دشمن در امور فرهنگی مانند ترویج فرهنگ بیگانه و نابودی فرهنگ اسلامی و مانند آنها می‌شود. البته در آموزه‌های وحیانی همکاری به قصد نیرنگ و مکر جایز است؛ زیرا در برخی موارد ممکن است تظاهر به همکاری با دشمنی با قصد لازم باشد تا بتوان از فریب و نیرنگ آنها جلوگیری کرد یا به آنها ضربه زد؛ این نوع همکاری در صورتی که با هدف حفظ اسلام و مسلمانان و با رعایت اصول اخلاقی انجام شود، مجاز است.

جنگ روانی دشمن

در قرآن، جنگ روانی دشمنن با تکیه بر فریب، شایعه‌پراکنی و تضعیف روحیه مؤمنان مطرح شده است؛ زیرا دشمن با بهره‌گیری از منافقان و سست ایمان‌ها و افراد دیگر حاضر در میان امت اسلام تلاش می‌کند تا انسجام اجتماعی را از میان بردارد و با جنگ روانی از طرق گوناگون و ابزارهایی چون رسانه و اخبار دروغین و اراجیف خبری جو اجتماعی و اقتصادی و نظامی را به‌هم بریزد و شکاف اجتماعی را ایجاد یا تقویت کند و این‌گونه نتیجه داخلی را تضعیف و امکان ترویج فرهنگ بیگانه و نابودی فرهنگ اسلامی و مانند آنها می‌شود. البته در آموزه‌های وحیانی همکاری به قصد نیرنگ و مکر جایز است؛ زیرا در برخی موارد ممکن است تظاهر به همکاری با دشمنی با قصد لازم باشد تا بتوان از فریب و نیرنگ آنها جلوگیری کرد یا به آنها ضربه زد؛ این نوع همکاری در صورتی که با هدف حفظ اسلام و مسلمانان و با رعایت اصول اخلاقی انجام شود، مجاز است.



نحوست ماه صفر!

ب) ماه صفر بعد از ذی‌القعدة و ذی‌الحجه و محرم قرار گرفته است و این سه ماه جزء ماه‌های حرامند و کسی در آنها به قتل و جنایت نمی‌پرداخت، بعد از این سه ماه حرام، در ماه صفر جنایت و قتل و جنگ آغاز می‌گردید و به همین سبب، مردم این ماه را منحوس قلمداد کرده‌اند.

البته اینسان تکیه می‌کند که در بین روایات شیعیی آمده، نیرامند دلیل محکم‌تری است. اگر چنین است پس روایتی که دلالت بر شومی و نحس بودن این ماه داشته باشد، نذیهدام و در روایات غیر معتبر عامی مواردی وجود دارد که اعتباری به آنها نیست.

بر فرض پذیرش اینکه وقایع اتفاق افتاده می‌تواند دلیل بر ماه صفر باشد، اما در هر صورت ماه صفر ماهی است که در بین روایات شیعیی آمده، نیرامند دلیل محکم‌تری است. اگر چنین است پس روایتی که دلالت بر شومی و نحس بودن این ماه داشته باشد، نذیهدام و در روایات غیر معتبر عامی مواردی وجود دارد که اعتباری به آنها نیست.

بر فرض پذیرش اینکه وقایع اتفاق افتاده می‌تواند دلیل بر ماه صفر باشد، اما در هر صورت ماه صفر ماهی است که در بین روایات شیعیی آمده، نیرامند دلیل محکم‌تری است. اگر چنین است پس روایتی که دلالت بر شومی و نحس بودن این ماه داشته باشد، نذیهدام و در روایات غیر معتبر عامی مواردی وجود دارد که اعتباری به آنها نیست.

میرزا جواد ملکی تبریزی نیز نحوست ماه صفر را مشهور دانسته و می‌گوید: معروف است که ماه صفر، به خصوص چهارشنبه آخر آن، نحس می‌باشد که در این مورد روایتی نداریم. وی در ادامه می‌نویسد: شاید این نحوست به خاطر رحلت پیامبراکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در این ماه و نیز سخن

اهل کتاب از مسیحیان و یهودیان (مانده، آیه ۵۱) یا کافران (نساء، آیه ۱۲۴) بنابراین، هیچ‌وجه توجیهی نیست که انسان بخواهد با دشمنان، دوستی و ارتباطی به‌ویژه در سطح ولایت داشته باشد و آنان را بر امور خویش و امت مسلط اذخ خدا در قرآن بیان می‌کند که دوستی مسلمانان بادشمنان از جمله استثنایاکنندگان اسلام، با ایمان و اسلام سازگاری ندارد؛ یعنی کسی که مدعی اسلام و ایمان است، با دوستی با دشمنان شتان می‌دهد که در اسلام و ایمان خویش صادق نیست. (مانده، آیه ۵۷) بنابراین، اگر کسی با دشمنان از جمله کسانی که اسلام با احکام اسلامی چون نماز و مناسک اسلامی حجاب و مانند آنها را به تمسخر می‌گیرند، دوستی برقرار کند، نشان می‌دهد که مسلمان نیست؛ بلکه مدعی اسلام است. مسلمان واقعی از چنین افرادی باید اجتناب کند و با آنان دوستی برقرار نکند. (مانده، آیات ۵۷ و ۵۸)

دوستی با اشکال‌گران، ممنوع

یکی از دشمنان اسلام که باید دوستی و ارتباط با آنان قطع شود، کسانی هستند که سرزمین‌های اسلامی را اشغال کرده و به مسلمانان ظلم و ستم روا می‌دارند؛ زیرا آنان به عنوان مهاجم دشمن حربی کافر هستند، مسلمانان با دولت‌های اسلامی که با این دشمنان همکاری و دوستی و ارتباط برقرار کنند، به عنوان یاری‌گران دشمنان شناخته شده و مغضوب الهی خواهند بود.

به سخن دیگر، از نظر قرآن دوستی با یاری‌گران کافران مهاجم بر دین و سرزمین مسلمانان موجب ورود این افراد به اسلام و مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، دشمنان دارای بعضی و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان، رسانه‌ها و افراد در خدمت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی و مانند آنها، ممنوع، حرام و بلکه جرم و گناهی بزرگ است که دوستان دشمنان را در جرگه کافران و ظالمان قرار می‌دهد؛ زیرا هر کسی به چیزی گرایش و دوستی داشته باشد، از همان افراد خواهد بود و احکام اشتراک بر آنان بار می‌شود؛ چنان‌که دوستانران اشقی‌الاشقیه

شکی نیست که دوستی با دشمنان از جمله کارفران معند و محارب، استثنایاکنندگان به اسلام و احکام آن، مجازولان و به اسلام و مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، دشمنان دارای بعضی و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان، رسانه‌ها و افراد در خدمت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی و مانند آنها، ممنوع، حرام و بلکه جرم و گناهی بزرگ است که دوستان دشمنان را در جرگه کافران و ظالمان قرار می‌دهد؛ زیرا هر کسی به چیزی گرایش و دوستی داشته باشد، از همان افراد خواهد بود و احکام اشتراک بر آنان بار می‌شود؛ چنان‌که دوستانران اشقی‌الاشقیه شکی نیست که دوستی با دشمنان از جمله کارفران معند و محارب، استثنایاکنندگان به اسلام و احکام آن، مجازولان و به اسلام و مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، دشمنان دارای بعضی و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان، رسانه‌ها و افراد در خدمت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی و مانند آنها، ممنوع، حرام و بلکه جرم و گناهی بزرگ است که دوستان دشمنان را در جرگه کافران و ظالمان قرار می‌دهد؛ زیرا هر کسی به چیزی گرایش و دوستی داشته باشد، از همان افراد خواهد بود و احکام اشتراک بر آنان بار می‌شود؛ چنان‌که دوستانران اشقی‌الاشقیه شکی نیست که دوستی با دشمنان از جمله کارفران معند و محارب، استثنایاکنندگان به اسلام و احکام آن، مجازولان و به اسلام و مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، دشمنان دارای بعضی و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان، رسانه‌ها و افراد در خدمت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی و مانند آنها، ممنوع، حرام و بلکه جرم و گناهی بزرگ است که دوستان دشمنان را در جرگه کافران و ظالمان قرار می‌دهد؛ زیرا هر کسی به چیزی گرایش و دوستی داشته باشد، از همان افراد خواهد بود و احکام اشتراک بر آنان بار می‌شود؛ چنان‌که دوستانران اشقی‌الاشقیه شکی نیست که دوستی با دشمنان از جمله کارفران معند و محارب، استثنایاکنندگان به اسلام و احکام آن، مجازولان و به اسلام و مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، دشمنان دارای بعضی و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان، رسانه‌ها و افراد در خدمت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی و مانند آنها، ممنوع، حرام و بلکه جرم و گناهی بزرگ است که دوستان دشمنان را در جرگه کافران و ظالمان قرار می‌دهد؛ زیرا هر کسی به چیزی گرایش و دوستی داشته باشد، از همان افراد خواهد بود و احکام اشتراک بر آنان بار می‌شود؛ چنان‌که دوستانران اشقی‌الاشقیه شکی نیست که دوستی با دشمنان از جمله کارفران معند و محارب، استثنایاکنندگان به اسلام و احکام آن، مجازولان و به اسلام و مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، دشمنان دارای بعضی و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان، رسانه‌ها و افراد در خدمت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی و مانند آنها، ممنوع، حرام و بلکه جرم و گناهی بزرگ است که دوستان دشمنان را در جرگه کافران و ظالمان قرار می‌دهد؛ زیرا هر کسی به چیزی گرایش و دوستی داشته باشد، از همان افراد خواهد بود و احکام اشتراک بر آنان بار می‌شود؛ چنان‌که دوستانران اشقی‌الاشقیه شکی نیست که دوستی با دشمنان از جمله کارفران معند و محارب، استثنایاکنندگان به اسلام و احکام آن، مجازولان و به اسلام و مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، دشمنان دارای بعضی و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان، رسانه‌ها و افراد در خدمت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی و مانند آنها، ممنوع، حرام و بلکه جرم و گناهی بزرگ است که دوستان دشمنان را در جرگه کافران و ظالمان قرار می‌دهد؛ زیرا هر کسی به چیزی گرایش و دوستی داشته باشد، از همان افراد خواهد بود و احکام اشتراک بر آنان بار می‌شود؛ چنان‌که دوستانران اشقی‌الاشقیه شکی نیست که دوستی با دشمنان از جمله کارفران معند و محارب، استثنایاکنندگان به اسلام و احکام آن، مجازولان و به اسلام و مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، دشمنان دارای بعضی و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان، رسانه‌ها و افراد در خدمت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی و مانند آنها، ممنوع، حرام و بلکه جرم و گناهی بزرگ است که دوستان دشمنان را در جرگه کافران و ظالمان قرار می‌دهد؛ زیرا هر کسی به چیزی گرایش و دوستی داشته باشد، از همان افراد خواهد بود و احکام اشتراک بر آنان بار می‌شود؛ چنان‌که دوستانران اشقی‌الاشقیه شکی نیست که دوستی با دشمنان از جمله کارفران معند و محارب، استثنایاکنندگان به اسلام و احکام آن، مجازولان و به اسلام و مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، دشمنان دارای بعضی و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان، رسانه‌ها و افراد در خدمت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی و مانند آنها، ممنوع، حرام و بلکه جرم و گناهی بزرگ است که دوستان دشمنان را در جرگه کافران و ظالمان قرار می‌دهد؛ زیرا هر کسی به چیزی گرایش و دوستی داشته باشد، از همان افراد خواهد بود و احکام اشتراک بر آنان بار می‌شود؛ چنان‌که دوستانران اشقی‌الاشقیه شکی نیست که دوستی با دشمنان از جمله کارفران معند و محارب، استثنایاکنندگان به اسلام و احکام آن، مجازولان و به اسلام و مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، دشمنان دارای بعضی و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان، رسانه‌ها و افراد در خدمت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی و مانند آنها، ممنوع، حرام و بلکه جرم و گناهی بزرگ است که دوستان دشمنان را در جرگه کافران و ظالمان قرار می‌دهد؛ زیرا هر کسی به چیزی گرایش و دوستی داشته باشد، از همان افراد خواهد بود و احکام اشتراک بر آنان بار می‌شود؛ چنان‌که دوستانران اشقی‌الاشقیه شکی نیست که دوستی با دشمنان از جمله کارفران معند و محارب، استثنایاکنندگان به اسلام و احکام آن، مجازولان و به اسلام و مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، دشمنان دارای بعضی و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان، رسانه‌ها و افراد در خدمت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی و مانند آنها، ممنوع، حرام و بلکه جرم و گناهی بزرگ است که دوستان دشمنان را در جرگه کافران و ظالمان قرار می‌دهد؛ زیرا هر کسی به چیزی گرایش و دوستی داشته باشد، از همان افراد خواهد بود و احکام اشتراک بر آنان بار می‌شود؛ چنان‌که دوستانران اشقی‌الاشقیه شکی نیست که دوستی با دشمنان از جمله کارفران معند و محارب، استثنایاکنندگان به اسلام و احکام آن، مجازولان و به اسلام و مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، دشمنان دارای بعضی و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان، رسانه‌ها و افراد در خدمت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی و مانند آنها، ممنوع، حرام و بلکه جرم و گناهی بزرگ است که دوستان دشمنان را در جرگه کافران و ظالمان قرار می‌دهد؛ زیرا هر کسی به چیزی گرایش و دوستی داشته باشد، از همان افراد خواهد بود و احکام اشتراک بر آنان بار می‌شود؛ چنان‌که دوستانران اشقی‌الاشقیه شکی نیست که دوستی با دشمنان از جمله کارفران معند و محارب، استثنایاکنندگان به اسلام و احکام آن، مجازولان و به اسلام و مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، دشمنان دارای بعضی و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان، رسانه‌ها و افراد در خدمت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی و مانند آنها، ممنوع، حرام و بلکه جرم و گناهی بزرگ است که دوستان دشمنان را در جرگه کافران و ظالمان قرار می‌دهد؛ زیرا هر کسی به چیزی گرایش و دوستی داشته باشد، از همان افراد خواهد بود و احکام اشتراک بر آنان بار می‌شود؛ چنان‌که دوستانران اشقی‌الاشقیه شکی نیست که دوستی با دشمنان از جمله کارفران معند و محارب، استثنایاکنندگان به اسلام و احکام آن، مجازولان و به اسلام و مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، دشمنان دارای بعضی و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان، رسانه‌ها و افراد در خدمت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی و مانند آنها، ممنوع، حرام و بلکه جرم و گناهی بزرگ است که دوستان دشمنان را در جرگه کافران و ظالمان قرار می‌دهد؛ زیرا هر کسی به چیزی گرایش و دوستی داشته باشد، از همان افراد خواهد بود و احکام اشتراک بر آنان بار می‌شود؛ چنان‌که دوستانران اشقی‌الاشقیه شکی نیست که دوستی با دشمنان از جمله کارفران معند و محارب، استثنایاکنندگان به اسلام و احکام آن، مجازولان و به اسلام و مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، دشمنان دارای بعضی و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان، رسانه‌ها و افراد در خدمت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی و مانند آنها، ممنوع، حرام و بلکه جرم و گناهی بزرگ است که دوستان دشمنان را در جرگه کافران و ظالمان قرار می‌دهد؛ زیرا هر کسی به چیزی گرایش و دوستی داشته باشد، از همان افراد خواهد بود و احکام اشتراک بر آنان بار می‌شود؛ چنان‌که دوستانران اشقی‌الاشقیه شکی نیست که دوستی با دشمنان از جمله کارفران معند و محارب، استثنایاکنندگان به اسلام و احکام آن، مجازولان و به اسلام و مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، دشمنان دارای بعضی و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان، رسانه‌ها و افراد در خدمت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی و مانند آنها، ممنوع، حرام و بلکه جرم و گناهی بزرگ است که دوستان دشمنان را در جرگه کافران و ظالمان قرار می‌دهد؛ زیرا هر کسی به چیزی گرایش و دوستی داشته باشد، از همان افراد خواهد بود و احکام اشتراک بر آنان بار می‌شود؛ چنان‌که دوستانران اشقی‌الاشقیه شکی نیست که دوستی با دشمنان از جمله کارفران معند و محارب، استثنایاکنندگان به اسلام و احکام آن، مجازولان و به اسلام و مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، دشمنان دارای بعضی و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان، رسانه‌ها و افراد در خدمت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی و مانند آنها، ممنوع، حرام و بلکه جرم و گناهی بزرگ است که دوستان دشمنان را در جرگه کافران و ظالمان قرار می‌دهد؛ زیرا هر کسی به چیزی گرایش و دوستی داشته باشد، از همان افراد خواهد بود و احکام اشتراک بر آنان بار می‌شود؛ چنان‌که دوستانران اشقی‌الاشقیه شکی نیست که دوستی با دشمنان از جمله کارفران معند و محارب، استثنایاکنندگان به اسلام و احکام آن، مجازولان و به اسلام و مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، دشمنان دارای بعضی و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان، رسانه‌ها و افراد در خدمت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی و مانند آنها، ممنوع، حرام و بلکه جرم و گناهی بزرگ است که دوستان دشمنان را در جرگه کافران و ظالمان قرار می‌دهد؛ زیرا هر کسی به چیزی گرایش و دوستی داشته باشد، از همان افراد خواهد بود و احکام اشتراک بر آنان بار می‌شود؛ چنان‌که دوستانران اشقی‌الاشقیه شکی نیست که دوستی با دشمنان از جمله کارفران معند و محارب، استثنایاکنندگان به اسلام و احکام آن، مجازولان و به اسلام و مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، دشمنان دارای بعضی و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان، رسانه‌ها و افراد در خدمت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی و مانند آنها، ممنوع، حرام و بلکه جرم و گناهی بزرگ است که دوستان دشمنان را در جرگه کافران و ظالمان قرار می‌دهد؛ زیرا هر کسی به چیزی گرایش و دوستی داشته باشد، از همان افراد خواهد بود و احکام اشتراک بر آنان بار می‌شود؛ چنان‌که دوستانران اشقی‌الاشقیه شکی نیست که دوستی با دشمنان از جمله کارفران معند و محارب، استثنایاکنندگان به اسلام و احکام آن، مجازولان و به اسلام و مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، دشمنان دارای بعضی و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان، رسانه‌ها و افراد در خدمت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی و مانند آنها، ممنوع، حرام و بلکه جرم و گناهی بزرگ است که دوستان دشمنان را در جرگه کافران و ظالمان قرار می‌دهد؛ زیرا هر کسی به چیزی گرایش و دوستی داشته باشد، از همان افراد خواهد بود و احکام اشتراک بر آنان بار می‌شود؛ چنان‌که دوستانران اشقی‌الاشقیه شکی نیست که دوستی با دشمنان از جمله کارفران معند و محارب، استثنایاکنندگان به اسلام و احکام آن، مجازولان و به اسلام و مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، دشمنان دارای بعضی و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان، رسانه‌ها و افراد در خدمت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی و مانند آنها، ممنوع، حرام و بلکه جرم و گناهی بزرگ است که دوستان دشمنان را در جرگه کافران و ظالمان قرار می‌دهد؛ زیرا هر کسی به چیزی گرایش و دوستی داشته باشد، از همان افراد خواهد بود و احکام اشتراک بر آنان بار می‌شود؛ چنان‌که دوستانران اشقی‌الاشقیه شکی نیست که دوستی با دشمنان از جمله کارفران معند و محارب، استثنایاکنندگان به اسلام و احکام آن، مجازولان و به اسلام و مسلمان